

«روزشمار جنگ نقده»

جنگ نقده به روایت روزنامه آیندگان

«گردهمایی ده‌ها هزار نفری ورزشگاه نقده روز گذشته (جمعه) به خون کشیده شد و در جریان آن ده‌ها تن کشته و زخمی شدند. این گردهمایی از سوی حزب دموکرات کردستان ترتیب یافت و اجتماع کنندگان در حالی که خود را آماده شنیدن سخن‌رانی‌ها کرده بودند، مورد تیراندازی گروهی که از خارج ورزشگاه شلیک می‌کردند، قرار گرفتند... شایع است که این درگیری میان کمیته هماهنگی نقده و کردهای مقیم این شهر صورت گرفته.»

[آیندگان، ۱ اردیبهشت ۵۸]

- «برخوردهای خونین نقده بین ترک‌ها و کردهای این شهر که از روز جمعه آغاز شده بود، شدت گرفته است. هر یک از طرفین، جمعی را به گروگان گرفته‌اند. خطوط تلفنی قطع شده و راه‌های ارتباط از طریق مهاباد و ارومیه به نقده بسته است و کنترل آن‌ها را ترک‌ها در دست دارند... سخنگوی ستاد مستقر در خانه آیت‌الله شیخ عزالدین حسینی گفت: علت شدت گرفتن این درگیری‌ها تحریکاتی است که از سوی ارومیه می‌شود. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته چنین احساس می‌شود این درگیری‌ها از روی یک برنامه قبلی و حساب‌شده به مرحله اجرا درآمده است.»

- در بخشی از اعلامیه‌ای که حزب دموکرات کردستان پیرامون رویدادهای نقده منتشر کرد، آمده است: «... مسببین این واقعه اسفناک بدون تردید عناصر ضدانقلابی در میان افراد کمیته "انقلابی" شهرستان نقده و عناصری از قبیل آقای حسینی، عضو کمیته ارومیه، می‌باشند که بارها کوشیده‌اند با افشاندن بذر تفرقه و اختلاف در بین توده‌های دو ملت کُرد و آذربایجانی، فرزندان این دو خلق برادر را به جان هم انداخته و از این طریق خدمتی به منافع امپریالیست‌ها و سرسپردگان داخلی‌شان بنمایند... ما از دولت آقای بازرگان درخواست می‌نماییم که به تحریکات حسینی‌ها و صفدری‌ها خاتمه داده، اجازه ندهند بیش از این در گوشه و کنار مملکت جنگ‌های برادرکشی به خاطر حفظ منافع دشمنان مردم ایران به راه انداخته شود.»

- «شیخ عزالدین حسینی رهبر سیاسی و مذهبی مهاباد با ارسال پیامی رادیویی که دو طرف - برادران مسلمان ترک و کُرد نقده - دست از مخاصمه بردارند.»

- «محافل نزدیک به حزب دموکرات کردستان ایران گوشزد کرده‌اند هر نقل و انتقال نیروها، هر اعزام قوای کمکی به نقده تنها موجب تعمیم مناقشه و بسط آن به سایر مناطق خواهد شد.»

[آیندگان، ۲ اردیبهشت ۵۸]

- «ارتش کنترل نقده را به دست گرفت... در همین حال شیخ عزالدین حسینی، رهبر سیاسی - مذهبی مهاباد با اظهار نگرانی از حضور ارتش در نقده به آیندگان گفت: این جنگ را محکوم می‌کنیم... همه ترک‌ها و کردها از این جنگ ناراحت هستند.»

- «بر پایه یک خبر تأیید نشده، بعد از ظهر دیروز یکصد و هشتاد نفر در نقده به قتل رسیده‌اند.»

[آیندگان، ۳ اردیبهشت ۵۸]

«جبهه دموکراتیک ملی ایران، دیشب در اطلاعیه‌ای رویدادهای خونین نقده را کار عناصر ضدانقلابی و مرتجعین دانست و آن را توطئه‌ای برای در برابر هم قرار دادن کرد و ترک خواند.»

[آیندگان، ۳ اردیبهشت]

- «برخوردهای چند روز اخیر در نقده، پیش از ظهر دیروز برای مدتی شدت گرفت که با آتش زدن ساختمان‌های محله‌های کردنشین همراه بود... تانک‌های ارتش که از دیروز وارد نقده شده بودند از همان لحظه ورود با افراد مسلح درگیر شدند و بر شدت حادثه افزودند. تانک‌ها تمام ساعات پریشب را مرتب تیراندازی می‌کردند و بعضی جاها آتش گرفت. عده‌ای از گردهایی که برای نجات به کوه فرار می‌کردند، زیر رگبار کشته شدند. هم‌اکنون صدها تن از زنان و مردان و کودکان گرد که موفق به فرار شده‌اند، در بیابان‌ها آواره هستند. بیشتر خانه‌های کردنشین خالی شده و در برخی موارد اموال آنها به غارت رفته است...»

- «سیدمصطفی حسینی یکی از گردهای مقیم نقده در گفتگو با خبرنگار اعزامی آیندگان ادعا کرد: دیروز هنگامی که ارتش به نقده آمد، افرادی سوار بر چند تانک در حالی که عکس‌هایی از آیت‌الله سیدعزالدین حسینی را حمل می‌کردند و لباس گُردی به تن داشتند، در مناطق کردنشین نقده و با مراجعه به کمیته گُردا اعلام کردند آتش‌بس شده و ما با شما هستیم اما وقتی که اطمینان گُردا را جلب کردند ناگهان به سوی آنها تیراندازی کردند. او به این مسئله نیز اشاره کرد که در چند مورد ضمن کشتن گُردا سر آنها را بُریده‌اند...»

- آیت‌الله سیدعزالدین حسینی در **تلگرامی به نخست‌وزیر** نوشت: «طبق نامه و خبر واصله از امام جمعه نقده یک مشت مجاهد و اشخاص بی‌بندوبار در پناه ارتش به جان و مال و ناموس مردم گرد نقده تجاوز نموده‌اند... آفرین به جمهوری اسلامی که این گونه مجاهد را پرورش می‌دهد.»

- «آیت‌الله سیدعزالدین حسینی در گفتگویی با خبرنگار اعزامی آیندگان، عامل جنگ‌افروزی در نقده را عناصر مرتجع ارومیه دانست و اضافه کرد این جنگ از سوی کمیته ترتیب داده شده بود. آیت‌الله حسینی در ادامه سخنان خود گفت

پریروز ۲ تن از اکراد [استاد رحیم معمار و طه کرباسی] که به مهاباد می آمدند، به وسیله مجاهدان و افراد ارتش کشته شدند، در حالی که این دو هیچ قصدی از سفر به این شهر نداشتند و اصولاً بدون درگیری آنها را به قتل رسانده اند... ارتش وقتی در نقده پیاده شدند به جای این که صلح و آرامش برقرار کنند، تا آنجا که توانستند به مردم گُرد این شهر هجوم بردند، ظلم کردند و به گزارشات رسیده عده ای را سربريدند و خیل عظیمی را از شهر فراری دادند... مجاهدان ما را نکوهش کردند که چرا به جمهوری اسلامی رای ندادیم. آیا این است معنی جمهوری اسلامی؟»

- از نامه احمد مفتی زاده به مهندس بازرگان: «... در این اثنا مبلغی در حدود یک میلیون از طرف حضرات طالقانی و بهشتی به اینجا هدیه شد. چه خواب ها که برای آن مبلغ هنگفت دیدیم اما بعد متوجه شدیم که طرح تغذیه از همه فوری تر است. و قسمت عمده را به آن اختصاص دادیم... پس موسسه دینی ما - که اگر همت کنید، متولد خواهد شد - تمام این مسایل را در مد نظر خواهد داشت، و تقریباً این طرح به ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان ماهانه نیاز دارد. و فکر می کنم دولت اسلامی که رئیس آن "مهندس مهدی بازرگان" یا "عبدالله صالح" باشد، پیشرفت دین را هر چند در لباس تسنن هم باشد - به خصوص در برابر خطر عظیم ماتریالیسم مهاجم حزبی - آن قدر ارج می نهد که برای پرداختن این هزینه ننالد - حتی - تقلیل و تاخیر (در آن شرایط فوق العاده افسار گسیخته بحرانی) روا ندارد...»

- «احمد مفتی زاده در نامه مورخ ۱۹ فروردین ۵۸ خود به مهدی بازرگان، رهبران دینی را در کردستان گروهی مستضعف مادی و معنوی می خواند و آشکارا به رهبران دینی در کردستان اهانت می کند... اطلاق نام رهبران دینی به کسانی که بنا به ادعای مفتی زاده با دریافت ماهی ۲۰۰ تا ۵۰۰ تومان خود را در اختیار رژیم خود کامه گذاشتند، فی الواقع اهانت مستقیم به روحانیون اهل سنت و به همه کسانی است که با علاقه مراسم دینی را با خلوص نیت برگزار می کنند... نکته جالب توجه تر این است که آقای مفتی زاده پیشنهاد می کنند که پول مستمری در حدود ماهی ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان در اختیار او گذاشته شود تا این به اصطلاح "رهبران دینی" را که طبق ادعای خودش در فقر مادی و معنوی غوطه وورند، به خدمت بگیرند و سپاهی از آنان برای مقابله با "خطر عظیم ماتریالیسم مهاجم حزبی" بسازند.»

- «آقای دکتر ابراهیم یونسی، استاندار کردستان؛ با توجه به نامه مورخه ۵۸/۱/۱۹ آقای احمد مفتی زاده مبنی بر دریافت یک میلیون تومان پول از حضرات آیت الله طالقانی و بهشتی و همچنین محتوای مشکوک نامه، جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در کردستان وظیفه خود می داند سوال نماید: ۱- آیا جنابعالی به عنوان نماینده دولت در منطقه چه اطلاعی در این زمینه دارید و اگر مطلع بوده اید چگونه مردم را در جریان امر قرار نداده اید؟...؛ از طرف سخن گوی جمعیت، محمد صدیق کمانگر - نبوی»

[آیندگان، ۴ اردیبهشت ۵۸]

«پس از چند روز درگیری و زدوخوردها در نقده که عده‌ای کشته و مجروح به جای گذاشت و به کوچ بسیاری از خانواده‌های گُرد این شهر انجامید، روز گذشته آرامش نسبی در این شهر برقرار شد و مجاهدان و پاسداران اداره نظم شهر را برعهده دارند. از روز گذشته جمع‌آوری کشته‌شدگان در خیابان‌ها آغاز شده... به گفته یکی از شاهدان عینی تاکنون (۶ بعدازظهر دیروز) بیش از ۲۰۰ جنازه در نقده جمع‌آوری شده است.»

[آیندگان، ۵ اردیبهشت ۵۸]

- «با سفر استاندار آذربایجان غربی به همراه ۲ عضو حزب دموکرات به مهاباد و ملاقات با شیخ عزالدین حسینی، مذاکرات مقدماتی برای رفع اختلاف ترک‌ها و گُردهای نقده آغاز شد.»

- کریم حسامی عضو حزب دموکرات کردستان به خبرنگار آیندگان گفت: «قبل از این که قوای ارتشی از تهران به نقده بیاید، ما به وسیله مجاهدان ارومیه [نیروهای ملاحسنی] در خانه ملاصالح رحیمی، امام جمعه گُردهای نقده و در محاصره بودیم و هر لحظه مرگ ما را تهدید می‌کرد، و چنان‌چه سرگرد محمدجواد موذن [فرمانده نیروهای اعزامی از تهران] و ایرج تبریزی (نماینده وزارت کشور) نمی‌رسیدند، همه ما در آنجا کشته شده بودیم.»

- شیخ عزالدین حسینی در گفتگو با آیندگان گفت: «ما برای جلوگیری از جنگ و کشتار آماده هرگونه مذاکره‌ای هستیم و هدف ما تنها پایان دادن به این برادرکشی‌ها است. تمام گُردهای منطقه از مجاهدان آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله خمینی که از تهران آمده‌اند، راضی هستند... اما مجاهدان ارومیه تنها برای کشتار گُردها عازم نقده شده بودند.»

- «به دعوت جمعیت گُردهای مقیم مرکز، جلسه‌ای برای بررسی مسائل گُردها، در دانشگاه صنعتی برگزار شد. در این جلسه گزارشی در مورد حوادث تاسف‌انگیز نقده قرائت شد که در آن برخی از افراد غیرمسئول کمیته ارومیه متهم به حمله و غارت و کشتار مردم بی‌دفاع شده‌اند. همچنین در این گزارش آمده بود که ارتش در نقده بی‌طرفی را رعایت نکرده و به چند روستای اطراف نقده با تانک حمله برده است.»

[آیندگان، ۸ اردیبهشت ۵۸]

«جمعیت گُردهای مقیم مرکز دیشب در اطلاعیه‌ای درباره امکان تکرار فاجعه سنندج و نقده در مرز همدان و کردستان جمعیت در اطلاعیه‌ای گفته است: بعضی از سران عشایر در مرز همدان از روستائیان را از خانه و زمین‌هایشان بیرون کرده‌اند. قرائن نشان می‌دهد که افراد قیاده موقت در مرز همدان زمینۀ یک توطئه شبیه به نقده را فراهم می‌کنند.»

[آیندگان، ۹ اردیبهشت ۵۸]

مصاحبه مطبوعاتی عبدالرحمن قاسملو

«قاسملو به شرح وقایع نقده پرداخت و ضمن اینکه اخبار رادیو و تلویزیون را در مورد حوادث کردستان تحریف شده و غیرواقعی عنوان کرد، در این باره اظهار داشت: «ما روز ۳۱ فروردین برای برگزاری یک میتینگ مسالمت آمیز به نقد رفته بودیم... آنها که ایراد بر مسلح بودن بعضی افراد شرکت کننده دارند، در واقع می خواهند چنین وانمود کنند که ما تیراندازی را شروع کرده ایم. اما در شروع میتینگ، تیراندازی از خارج شروع شد... تنها خواست ما این بود که راه مهاباد را باز کنند تا ما بتوانیم از شهر خارج شویم که این خواست ما هم مورد توجه قرار نگرفت...»

هنگامی که ارتش اعزام شد، ما نماینده ای فرستادیم تا با فرمانده به طرف نقده برود تا مبادا از طرف افراد ما تیراندازی به طرف آنها صورت گیرد. ولی وقتی که دوست ما در سهره نقده به ارتش برخورد، مشاهده کرد که عده ای از مجاهدان ارومیه [منظور/او باش ملاحسنی] هستند که ارتش را به طرف نقده رهبری می کنند و دوست ما را همان جا دستگیر کردند و اگر دخالت بعضی از ارتشیان نمی بود، افراد کمیته ها او را می کشتند. ارتش به طرف نقده پیش روی کرد و برخلاف آنچه فرمانده لشکر ادعا می کند... هلیکوپترها، تانک ها، تا ده پانزده کیلومتری نقده پیش روی کردند و دهات گردنشین را زیر آتش گرفتند...

قاسملو در ادامه حرف هایش اضافه کرد: در جریان های نقده و ورود ارتش، دوستان ما شهادت داده اند که سربازان ارتش به طور مستقیم به طرف گردها تیراندازی نمی کرده اند، و تانک ها و زره پوش ها در اختیار افراد کمیته ها بوده و آنها عملیات نظامی را در داخل شهر نقده رهبری می کردند.

قاسملو در جای دیگری از توضیحاتش در مورد نقده گفت: وقایع نقده توطئه بود که هنوز هم ادامه دارد. ما متوجه شدیم که در کمیته های نقده و ارومیه افرادی نفوذ کرده اند که به هیچ وجه نظر خوشی به انقلاب ندارند. این افراد در گذشته رئیس چماق داران و همکار نزدیک ساواک بودند که وضع را اداره می کردند و تحت رهبری آقای حسنی، رئیس کمیته ارومیه قرار داشتند. قبل از اینکه جریانی اتفاق بیفتد، آقای حسنی مقدار زیادی اسلحه در میان ترک های نقده پخش کرده بود... اکنون نزدیک به ۴۰۰۰ نفر از مردم نقده آواره هستند و برای بازگشت به نقده امنیت ندارند... دکتر قاسملو دبیر کل حزب دموکرات کردستان در پایان گفت ما امیدواریم با اعزام دو هیات از طرف آیت الله العظمی خمینی و آیت الله العظمی شریعتمداری مسائل کردستان از راه مسالمت آمیز حل شود.»

[آیندگان، ۲۰ اردیبهشت ۵۸]

جنگ نقده به روایت روزنامه اطلاعات و کیهان

- «هزاران خانوار از اکراد عشایرنشین بیش از ۳۰ روستای مناطق صومای و برادوست ارومیه به زور و تهدید تفنگچی‌های اربابان سابق رضائیه ناچار به ترک خانه و زندگی خود شده و اکنون در روستاها و کوهستان‌های اطراف آواره و سرگردان شده‌اند.»

[کیهان، ۱۸ فروردین ۵۸]

- «در جریان افتتاح دفتر حزب دموکرات کردستان در شهرستان نقده یک درگیری مسلحانه و خونین پیش آمد که طی آن حداقل ۱۰ نفر کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. گزارش خبرنگار ما از نقده حاکی است که... هنگامی که جمعیت حاضر در ورزشگاه آماده شنیدن سخنان سخنرانان بودند، ناگهان گروهی مسلح که در بیرون ورزشگاه مستقر بودند، شروع به تیراندازی کردند... در همین حال محمد مهدی عباسی استاندار آذربایجان غربی وارد نقده شد تا آرامش شهر را بازگرداند.»

- «۳ نفر از کشته‌شدگان، رحمت قاسم‌زاده (کارمند اداره آب و برق)، محمد داودی، نوری هادی نام داشتند.»
- «به دنبال حوادث نقده کلیه ادارات پیرانشهر تعطیل شد. در حال حاضر ارتباط میان نقده و پیرانشهر قطع است.»
[اطلاعات، ۱ اردیبهشت ۵۸]

- «یک گزارش تأیید نشده حاکی است که در روستاهای "آغچه زیوه" و "کهل" نقده آتش سوزی‌هایی به وقوع پیوسته است. هنوز از تلفات جانی و زیان‌های مالی این آتش سوزی‌ها و علل وقوع آن اطلاع دقیقی در دست نیست... از سوی دیگر عده‌ای در مهاباد گفتند که بعضی اشخاص با بلندگو در ارومیه به راه افتاده‌اند و مردم را به جنگ علیه کردها تشویق می‌کنند.»

- اعلامیه حزب دموکرات: «... دست خبیثی از آستین خیانت بیرون آمده و نه تنها اجتماع پرشکوه هواداران حزب ما را به هم زد، بلکه جنگ خونین و ناخواسته‌ای را به مردم گرد و آذربایجانی تحمیل کرد... اگرچه تاکنون آمار دقیقی از تعداد کشته و زخمی‌شدگان در دست نیست ولی آنچه مسلم است حداقل ۳۰ نفر کشته و بیش از ۱۵۰ نفر مجروح گردیده‌اند... مسبین این واقعه اسفناک بدون تردید عناصر ضدانقلابی در میان افراد کمیته انقلابی شهرستان نقده و عناصری از قبیل آقای حسنی، عضو کمیته ارومیه می‌باشند... ما از دولت آقای بازرگان درخواست می‌نمایم که به

تحریرکات حسنی و صفدری‌ها خاتمه داده، اجازه ندهند بیش از این در گوشه و کنار مملکت جنگ‌های برادرکشی به‌خاطر حفظ منافع دشمنان مردم ایران به راه انداخته شود. کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، ۱۳۵۸/۲/۱»

- ارتش به دستور دولت به سوی نقده حرکت کرد: «عباس امیرانتظام، معاون نخست‌وزیر و سخن‌گوی دولت، امروز در جلسه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی، در مورد نقده گفت: ارتش از نزدیک‌ترین پادگان مستقر در نقده به این شهر حرکت و انتظار می‌رود تا ظهر، داخل شهر شده و امنیت را برقرار کند... سرهنگ عباسی، سرپرست کمیته انقلاب ارومیه گفت: اعزام نیرو تنها به منظور ایجاد نظم است.»

- «علامه مفتی‌زاده موضوع اعلام جهاد علیه گروه‌های چپی در سندج را تکذیب کرد و در مورد پایگاه‌های گروه‌های چپی گفت: به موجب توافق‌نامه استاندارد کردستان و اعضای شورای موقت ۵ نفری سندج، این گروه‌ها قرار است ظرف یک هفته پایگاه‌های خود را خالی کنند.»

[اطلاعات، ۲ اردیبهشت ۵۸]

- «به گزارش خبرنگار ما از مهاباد، روستاهای اطراف نقده به سرعت از سکنه خالی می‌شود و ساکنین این روستاها به مهاباد روی می‌آورند. روستائیان مذکور که غالباً زن، کودک و پیرمرد هستند در حال حاضر در خانه جوانان و چند محل دیگر مهاباد نگهداری می‌شوند.»

- «پیش از ظهر دیروز از سوی امام جمعه نقده به سیدعزالدین حسینی، امام جمعه مهاباد، گزارش داده شد مبنی بر این که عده‌ای در پناه تانک‌های ارتشی به خانه‌های آنان هجوم می‌برند. مردم نقده که شدیداً در دلهره و نگرانی به‌سر می‌برند از ارتش اسلامی انتظار دارند جلو این اعمال وحشیانه را مهار کنند.»

- «روستائیان گُرد رانده‌شده از روستاهای ترگور، مرگور و صومای برادوست، سیزدهمین روز تحصن خود را در شهرداری ارومیه پشت سر گذاشتند. در همین حال جمعی از مالکین روستاهای مذکور، اخراج روستائیان را تکذیب کردند و گفتند که از روستائیان خواسته‌اند به منازل خود بازگردند، اما آنان که حدود ۸۰۰ خانوار هستند، از این کار خودداری نموده‌اند.

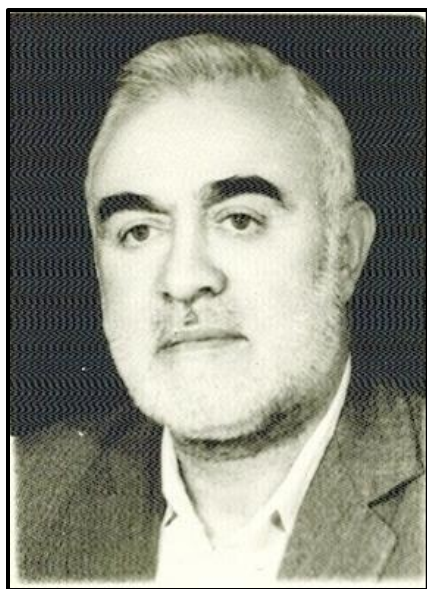
- «پاسداران اعزامی از طرف کمیته پاکسازی ارومیه موفق شدند قسمتی از تپه نقده را که مسلط به شهر نقده است و اهمیت به‌سزایی دارد، به تصرف درآورند.»

[کیهان، ۲ اردیبهشت ۵۸]

- «اجساد دو جوان گُرد که دیروز غروب در سه‌راه نقده کشته شده بودند، توسط ده‌ها هزار نفر از مردم مهاباد تشییع و به خاک سپرده شد. این دو طه کرباسیان ۲۲ ساله و رحیم ریحانی ۳۵ ساله نام داشتند.»

روایت یک شاهد عینی از جنگ سه روزه نقده

سلیمان کاشانی، از فعالان سیاسی اهل نقده و رابط کمیته‌های مردمی کردها و ترک‌ها در زمان درگیری، می‌گوید: «اواخر فروردین ماه ۱۳۵۸ خبر برگزاری میتینگ وسیع سیاسی حزب دموکرات در استادیوم فوتبال شهر نقده، که در منطقه ترک‌ها واقع بود، در سطح شهر پیچید. برخی از نمایندگان ترک‌ها به ما گفتند که بهتر است میتینگ در منطقه ترک‌ها برگزار نشود، چون احتمال دارد «حاج عظیم معبودی» [از عوامل پیشین ساواک و رئیس کمیته انقلاب اسلامی نقده] و افراد تحت امر او، برخی جوانان ترک را تحریک و فضا را متشنج کنند. بنابر این، توصیه می‌کنیم که میتینگ در منطقه کردها برگزار شود.



«ملاصالح رحیمی» [امام جمعه نقده] و «ملاابراهیم» از برگزاری میتینگ حزب دموکرات در منطقه ترک‌ها و احتمال درگیری و تشنج به شدت نگران و معتقد بودند که در صورت هرگونه درگیری کنترل اوضاع از دست خواهد رفت و شهر به آشوب و جنگ کشیده خواهد شد. شخصا از سوی ملاصالح و ملاابراهیم مامور شدم که نگرانی‌ها و ملاحظات آن‌ها پیرامون مکان برگزاری میتینگ را به مسئولان کمیته حزب دموکرات برسانم. کمیته حزب دموکرات در خیابان بالخچی بود. به آنجا رفتم و با مسئولان حزب دموکرات صحبت کردم. آن‌ها هم در جواب گفتند ما که نمی‌خواهیم با مردم وارد جنگ شویم...

حاج عظیم معبودی

در نهایت میتینگ در استادیوم منطقه ترک‌ها برگزار شد. در همان دقایق آغازین میتینگ چند هزار نفره، فردی به نام سلیمان که پدرش دوچرخه‌ساز و

از همان قماش دور و بر معبودی بود، از پشت بام یکی از خانه‌های همجوار استادیوم شلیک هوایی کرد. گردهمایی به هم خورد، فضا متشنج و درگیری آغاز شد.

کاشانی این تصور را که جنگ نقده جنگ میان ترک‌ها و کردها بوده باطل می‌داند و می‌گوید: «اشتباه مهلکی است که این جنگ را جنگ ترک‌ها و کردها قلمداد کنید. برای مثال، اگر ترک‌ها برنامه از پیش آماده‌ای برای درگیری و جنگ داشتند باور کنید می‌توانستند صدها نفر از کردها را بکشند. مسئله این بود که ترک‌ها چنین نیت و قصدی نداشتند. حتی نه این که به بخشی از این درگیری تبدیل نشدند، به کردهایی که در کوچه پس‌کوچه‌های منطقه آن‌ها گیر کرده بودند هم کمک کردند تا منطقه ترک‌ها را هرچه سریع‌تر ترک و فرار کنند. حتی برای بعضی از افرادی

که دچار تشنج و تنگی نفس شده بودند آب آوردند و تا دو سه کوچه آن طرف تر نیز مردم را به سمت کوچه‌های منتهی به منطقه کردها هدایت و همراهی کردند.

روز دوم اما شهر به طور کامل دو پاره و جاده اصلی میان منطقه کردها و ترک‌ها با ماشین‌های سنگین و زره‌پوش دیوار شد. مردم سراسیمه و وحشت‌زده شده بودند، حتی در میان کردها شایع شده بود که **ملاحسنی** و **قاسم‌علی ظهیرنژاد**، فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه، اسلحه و ادوات جنگی سبک و سنگین در اختیار نیروهای وابسته و تحت فرمان قرار داده‌اند و هر آن ممکن است که ارتش هم برای سرکوب کردها وارد شهر شود...

جنگ سه روز ادامه داشت. هزاران خانواده از ترس ادامه جنگ فرار کردند و متأسفانه حدوداً ۳۰۰ نفر از دو طرف در این جنگ سه روزه کشته شدند. روز سوم حزب دموکرات شهر را ترک کرد و ارتش وارد شهر شد. کاشانی معتقد است: «میتینگ [حزب دموکرات کردستان] بهانه بود. اتفاقاً، در این فاصله زمانی، برخی خان‌های منطقه و مزدوران حکومت قبلی در نقده از طریق اشرار و معرکه‌گیرهای شهر، غیر از نفرت‌پراکنی در میان مردم، به شدت مشغول سازماندهی خود و ایجاد ارتباط با **ملاحسنی** و تدارک جنگ بودند. هدف آن‌ها به طریق اولی ایجاد شکافی عمیق میان ترک‌ها و گُردها و نهایتاً تحمیل جنگ بر هر دو طرف بود تا از طریق ایجاد تشنج، درگیری و جنگ، شهر را به آشوب بکشند و مردم نیاز به حضور ارتش را احساس کنند و خواستار ورود و دخالت سریع آن‌ها شوند... اولین پیامد جنگ نقده، فروپاشی تجربه دموکراتیک دو ماه اداره شورایی شهر و نابود کردن همبستگی مردمی ترک‌ها و گُردها از سوی **ملاحسنی** بود.»

[منبع: غلط‌واره جنگ ترک‌ها و گُردها؛ درگیری در نقده (هاوری یوسفی) - ۲۹ مهر ۱۳۹۹]



تعدادی از افراد حاج عظیم معبودی
چند روز پس از پایان جنگ نقده (سولدوز)

حجت الاسلام غلامرضا حسنی (ملاحسنی)

غلامرضا حسنی از افراد نزدیک به روح الله خمینی و رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی در اوایل انقلاب و همچنین امام جمعه ارومیه تا زمان مرگش در سال ۱۳۹۷ بود. او برآمده از یک خانواده سنتی، مذهبی، زمین‌دار و متمول بود که بعد از انقلاب، به‌عنوان نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه منصوب شد. گردها، حسنی و نیروهای تحت نفوذ او را مسبب اصلی جنگ خونین نقده در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ می‌دانند. گفتنی است که ملاحسنی پسر بزرگ خود، رشید حسنی، را به دلیل گرایش به سازمان چریک‌های فدایی خلق لو داد و او بلافاصله اعدام شد. از ملاحسنی نقل شده است که خودش پسرش را به دادگاه انقلاب معرفی کرده و وقتی خبر اعدامش را شنیدم، اصلاً ناراحت نشدم چون به وظیفه خود عمل کردم.

اما ملاحسني پس از گذشت ۳۰ سال از اعدام پسرش در سال ۹۱ به خبرگزاری رسا می گوید که اعدام فرزندش برای او «فوق العاده سخت» بوده است. او در کتاب خاطراتش نوشته است که حکم فرزندش در نهایت «حبس ابد بود» و «متاسفانه قاضی پرونده همین طور فله ای حکم صادر کرده بود.» [خبرگزاری ایسنا، ۲۴ بهمن ۱۳۹۲، کد خبر ۹۲۱۱۲۴۱۶۹۵۵]



در ۷ مهر سال ۱۳۸۲ رسانه ها خبر از فوت حمیده حسنی (دختر ملاحسني) بر اثر سوختگی شدید دادند. روزنامه شرق به سردبیری محمد قوچانی این اتفاق را ناشی از حریق در یک باغ اعلام کرد. اما خود حجت الاسلام حسنی در مصاحبه با روزنامه یاس نو اعلام کرد: «چون عمل خودکشی در اسلام حرام است، در هیچ یک از مراسم دخترم شرکت نخواهم کرد.»

یاس نو در ادامه، ماجرا را چنین شرح داده بود: «خانم حمیده به روی خود نفت ریخته و به خاطر سوختگی شدید به بیمارستان امام خمینی ارومیه منتقل شد. حال وی اما به خاطر سوختگی ۹۰ درصد، رو به وخامت گذاشت و پس از ۵ روز جدال بین مرگ و زندگی، ۷ مهر ۱۳۸۲ درگذشت و همسر و سه فرزند خود را تنها گذاشت.»

منتشر شده در سایت ایدون

idoun.net

امضا محفوظ

بهار ۱۴۰۴